

درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

افزایش تشنج در خلیج فارس، خدمت به امپریالیسم

بیشتری می شود. سناریوی ورود گسترده نیروهای نظامی آمریکا تنظیم شده است. بر اساس این سناریو یکی از کشورهای خلیج فارس آمریکا را برای دفاع از آزادی کشتیرانی در خلیج فارس فراخواهد خواند. در همین زیر عنوان "در خلیج فارس چه کسی برسد" بقیه در صفحه ۵

ناوهای ناوگان هفتم نیروی دریایی آمریکا و کشتیهای جنگی انگلستان در خلیج فارس به حال آماده باش درآمده اند و کاسینار و این برگر و زیر دفاع آمریکایی مضاحبه روز شنبه گذشته خود خبر از احتمال یک درگیری وسیع در این منطقه را داد. موافق اخبار خبرگزاریها، احتمال گسترش جنگ به سایر کشورهای هر روز

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ برابر با اول ژوئن ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۹

پاسخ مسئول شعبه کارگری سازمان به سؤالات خوانندگان اکثریت

در صفحه ۶

"رفع ابهام از وضع مالکیت ارضی" بنفع ملاکین و سرمایه داران

جمهوری اسلامی در بازه کثا و رزی صحبت کردند و ثوابهای کارکثا و رزان را برشمرند. هر یک خطراتی از دوران نوجوانی خود که در روستاها گذشته بود تعریف کردند، رئیس مجلس گفت: "من خودم کثا و رز بمعنای واقعی هستم. بسیاری از درختانی که هم اکنون

پس از اعلام سال ۱۳ بعنوان "سال ۰۰۰ خود کفایی کثا و رزی" از سوی رئیس جمهوری، دولت نیز روزهای ۲۷ تا ۲۰ اردیبهشت را بعنوان "هفته کثا و رزی" تعیین کرد. در این هفته "کثا و رزان نمونه" انتخاب شده به دیدار زعمای جمهوری اسلامی نایل شدند. در این دیدارها هر یک از رهبران

بقیه در صفحه ۴

جشن "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان

جشن صلح و همبستگی

در صفحه ۱۱

تظاهرات برای قطع جنگ ایران و عراق در هندوستان

۲۱ حزب و سازمان سیاسی طی اعلامیه ای

خواستار پایان دادن به جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی در این دو کشور شدند

مترقی عراقی و فلسطینی فداسیون سراسری جوانان هند، فداسیون دانشجویان هند و سازمان صلح و همبستگی سراسر هند و ستان (واحد ایالت مادیا پرادش) برگزار گردید.

بقیه در صفحه ۱۰

روز ۱۲ آوریل (۸ اردیبهشت) تظاهرات باشکوهی برای صلح در منطقه خلیج فارس و آزادی زندانیان سیاسی در ایران و عراق در شهر بومال هند و ستان برگزار گردید. این تظاهرات به فراخوان رفقای ما در هند و ستان، دانشجویان

پیام هیئت اجرایی
کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا به
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بمناسبت اول ماه مه

در صفحه ۲

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

انتخابات، جلوه‌ای از سرکوب اراده مردم

پیام هیئت اجرایی کمیته مرکزی
حزب کمونیست کانادا به
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بمناسبت اول ماه مه

رفقای عزیز

روز اول ماه مه، روز همبستگی طبقه کارگر و همه نیروهای مبارز در راه صلح و سوسیالیسم و آزادی ملی و اجتماعی را تبریک می‌گوییم.

مردم جهان برای دفاع از صلح، برای جلوگیری از حرکت جنایتکارانه ارتجاع بین‌المللی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به سمت جنگ هسته‌ای و نابودی بشریت، با قدرت هرچه بیشتر متحد می‌شوند.

ما را تب همبستگی و تبریکات برادرانه‌مان را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ابراز می‌داریم. سازمان شما، همراه با حزب توده ایران، قهرمانانه در برابر ارتجاع فدا انقلابی، درنده‌خو، و ارتجاع و انحصارات بین‌المللی همدست‌اش که بر علیه نیروهای فدا امپریالیست و مترقی خلق‌های ایران توطئه می‌کنند، مقاومت می‌نماید.

با درودهای گرم برادرانه
هیات اجرایی کمیته مرکزی حزب
کمونیست کانادا
و م. کاستن
دبیر اراول

و بزرگواران! بردن اصل انتخابات بسود • راستگرایان با وحشت از رای منفی آشکاری که از مردم گرفتند، پس از انجام مرحله اول انتخابات، جناح مخالف خود را متهم به تقلب کردند و خود با کمک شورای نگهبان به بزرگترین تقلب دست زدند. این شورای نگهبان که نتایج انتخابات را مطابق میل خود نیافت، کوشید با پرونده سازی، آن حوزه را "ابطال" کند. این تهاجم به باطل شدن انتخابات ۱۲ حوزه از جمله شهرهای بزرگی مانند اصفهان و شیراز انجامید. اقدام شورای نگهبان علاوه بر تخریب نتایج انتخابات بسو دراستها، هدف مقابله با تضعیف مواضع ارتجاع و مطرح شدن دوباره این شورابخوان پر قدرت ترین نهاد که حتی از رای مردم هم بالاتر است را نیز دنبال می‌کرد. قدرت نمایی شورای نگهبان پاسخ بسود به فعال تر شدن جناح مخالف از یک سو و مخالفت آشکار و ابرار ناراضی مردم از سوی دیگر.

اما این تعرض هم بدون برخورد به مقاومت پیش‌نرفت؛ مخالفین شورای نگهبان و آنهايي که از "ابطال" های این شورابیشترین لطمه را دیده بودند، از طریق مطبوعات، از طریق پخش اعلامیه و ایراد سخنرانی، بطور بی‌سابقه‌ای

اوضاع برای درپیش گرفتن مشی درست و اتخاذ سیاست مناسب در قبال انتخابات، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مشترکا به این نتیجه رسیدند، که برای اعتراض به ترور و اختناق حاکم بر کشور و پایمال شدن ابتدایی ترین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک از زحمتکشان دعوت کنند به فهرست نامزد های ارایه شده از طرف نهاد های وابسته به حکام چ. ا. و سازمان های مربوط به آنها را مخالف دهند. (اعلامیه مشترک درباره انتخابات)

جریان امور نشان داد که این فراخوان حزب و سازمان تا چه حد منطبق بر ضروریات نبرد انقلابی در شرایط حاضر، سطح جنبش توده‌ای و روحیات مردم و رابطه آنها با حاکمیت بود.

مرحله اول انتخابات به‌اثابه روزنه ابراز مخالفت توده‌های مردم با سیاستهای حکومت عمل کرد. هرچند سردمداران جمهوری اسلامی به هییم وجه مایل نبودند تضاد های درون حاکمیت، بخصوص تضاد لایه های بالایی و پایینی آن به مردم امکان دهد رای عدم اعتماد به سیاست حاکم بدهند، و هرچند حکومت چاره از طریق سرکوب فاشیستی احزاب و سازمان های ترقیخواه و وجه از طریق حذف و تحت فشار قرار دادن مسلمانان مبارز و عناصر مترقی که به مجلس اول راه یافته بودند، نهایت تلاش خود را کرد تا انتخابات مهور نشانی از اراده مردم بخود نداشته باشد، اما شکل مستقل جناحها و گروه بندیهای گوناگون درون حکومت و فعالیت انتخاباتی آنها از یک سو، و رشد آگاهی مردم و ناراضی آنها از سیاستهای حاکم از سوی دیگر، باعث شد تا خواست و تمایل مردم، در انتخابات بصورت رای مخالف با جناح راست حکومت ابراز گردد. مردم به اشکال گوناگون، از عدم شرکت در انتخابات گرفته تا رای سفید و باطله دادن، انتخاب یک یاد و نفر بجای انتخاب لیستها، و بالاخره عدم انتخاب کاندیداهای جناح راست - بخصوص در شهرستانها - به سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی رای منفی دادند. در بسیاری از شهرستانها در مرحله اول کاندیداهایی به غیر از نامزد های حزب جمهوری اسلامی انتخاب شدند و در بسیاری دیگر کار انتخابات به مرحله دوم کشید. حتی در انتخابات مرحله اول تهران، که توافق جناحهای مختلف بیش از جایی دیگر بود، رای مخالف مردم از روی رای‌نمایی و آمار اعلام شده خود را نشان داد که قبلا چگونگی آنرا نشان داده ایم.

پاسخ ارتجاع به این مخالفت قاطع مردم، بکارگیری شورای نگهبان برای سرکوب اراده آنها

بقیه از صفحه اول

انتخابات و تشکیل مجلس دوم در شرایط پست کردن رهبری جمهوری اسلامی، به انقلاب و تقابل روز افزون اراده آن با اراده توده های خلق انجام یافت. در دی ماه ۱۳۶۲ رهبری حکومت رسماً اعلام کرد در تضاد بیش از دو ساله شورای نگهبان با اکثریت مجلس، "حق" با شورای نگهبان بوده است.

رهبری جمهوری اسلامی در آغوش می‌خواست "مساله" مجلس را بدینگونه نحل کند که با تحمیل یک لیست واحد انتخابی به اسبم نمایندگان "اصلاح"، کار انتخابات را یکسره نمود و از پیش، مانع کمترین تجلی اراده مردم در مجلس که خواه ناخواه باعث ادامه کشمکشها با شورای نگهبان (منتصب رهبری) می‌گردید، شود. به همین منظور هم مهدوی کنی از رهبران سرشناس راست‌مامو رشد به بود تا لیست نمایندگان "اصلاح" را تعیین کند.

اما تلاش برای تهیه لیست واحد پیش از هرجیز به دلیل عدم توافق جناحهای مختلف حکومت درباره سهم خود از لیست های انتخابی به سرانجام نرسید. سران حکومت دستور دادند جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از یک سو، و دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و شورای مرکزی ائمه جمعا از سوی دیگر، برای سراسر کشور لیست انتخاباتی اعلام نکنند. محروم شدن "دفتر تبلیغات اسلامی" و "شورای مرکزی ائمه جمعه" از معرفی لیست کاندیداهای، امکانات این گروهها را به فعالیت غیرمستقیم انتخاباتی مسدود کرد. اما از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی توانست از طریق دفتر خود در تهران و شهرستانها کاندیدا معرفی کند.

همزمان با این تحولات، بدنبال دعوت رهبری جمهوری اسلامی از "دانشگاهیان" برای شرکت در انتخابات، "دفتر تحقیق و وحدت" انجمنهای اسلامی دانشجویان با حمایت نهاد هایی که در لایه های پایینی حکومت نفوذ دارند، ضمن گنجانیدن نیمی از کاندیداهای جبهه راست حاکم (حزب جمهوری اسلامی - روحانیت مبارز تهران - بازار و ...) ترکیبی از چهره های غیرحزبی، تکنوکراتها و مخالفین برخی از جنبه های سیاست حاکم را برای تهران معرفی نمود. در شهرستانها در مقابل حزب جمهوری اسلامی و بازار که چهره های مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را کاندید کردند، برخی نمایندگان مجلس اول و عناصر دیگر غیرحزبی بطور منفرد و یا با حمایت نهاد های پایینی حکومت داوطلب نمایندگی شدند.

در چنین شرایطی، با ارزیابی دقیق

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

هم میهنان گرامی!
مردم مبارز و قهرمان ایران!

پیگرد، شکنجه و کشتار بهترین فرزندان شما، کسانی که همه خواست و آرزویشان آزادی میهن و بهروزی مردم ایران است، همچنان دامنه گسترده تری می یابد. زمامداران جمهوری اسلامی که علیرغم زندان و شکنجه و اعدام فدائیان، توده ایها، مجاهدین و دیگر مبارزان میهن پرست، نتوانسته اند سازمانهای ضدامپریالیست و مردمی را درهم بشکنند، اکنون توطئه های جنایتکارانه تازه ای را علیه فدائیان خلق ایران به اجرا درمی آورند. در نتیجه پیگرد های وسیع، هجوم به خانه ها، محله گردی، قرق خیابانها و میدانها و کنترل گلوگاه شهرها به کمک مزدوران و خود فروختگان و با بهره گیری از بایگانی اطلاعات ساواک، طی ماههای اخیر، عده دیگری از مسئولین و کادرها سازمان ما اسیر و رانده شده اند. تنهادر شهر اهواز مزدوران رژیم و دستجات و باش حکومت نزدیک به ۵۰ نفر از فعالین سازمان ما را بازداشت و به شکنجه گاهها بردند. بعلاوه زمامداران جمهوری اسلامی که تاکنون نتوانسته اند به رهبری سازمان دست یابند، به تشدید شکنجه فدائیان اسیری که از بیش از ۲۰ سال قبل در زندان بسر می برند، روی آورده اند. دژخیمان بویژه برای از یاد آوردن عده های از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و بسیاری از کادرها، سازمان که مدت ها است در زندان اوین و دیگر شکنجه گاههای رژیم به گروگان نگاه داشته شده اند، همه امکانات خود را بکار گرفته اند. بیش از یکسال است رهبران جمهوری اسلامی این رفقای ما را به زیر و حشانه ترین شکنجه ها کشیده اند تا آنها را

را بشکنند و تسلیم کنند.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) اعلام می دارد، رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاوره های سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما از مبارزان شناخته شده جنبش انقلابی ایران نیز در تابستان سال گذشته مورد شناسایی تعقیب و مراقبت مامورین و مزدوران رژیم قرار گرفت. او سه بار موفق شد حلقه محاصره آنان را بشکند. اما آخرین بار در زاول شهر یورماه سال گذشته که تحت تعقیب قرار گرفت، رابطه اش با سازمان قطع گردید و تا امروز مقامات مسئول کوجکترین خبری درباره سرنوشت رفیق انوشیروان لطفی به مردم نداده اند. همسزا و رانیز اسیر کرده اند. خانواده های آنها هم در پی اطلاعی محض نگاه داشته شده اند.
مقامات حکومتی این جنایات را علیه فدائیان مرتکب می شوند که در زندانهای رژیم خو خوار شاه شکنجه دیده اند و یاد از انقلاب نقش و شرکت فعالی داشته اند، گناه آنها صرفا دفاع از استقلال و آزادی میهن خویش و آرزوی بهروزی برای کارگران و دهقانان زحمتکش و مخالفت با چپا و لگری سرمایه داران است. جهت اطلاع شما، زگو شه ای از جنایاتی که در میهن ما صورت می گیرد، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) اسامی گروهی از مسئولین و کادرها و اعضای قدیمی سازمان را که در زندان بسر می برند اعلام می کند. این اسامی به دلایل امنیتی و نیز تقص اطلاعات تنها شامل بخشی از کادرها، پرسابقه سازمان فدائیان خلق ایران است.
رحیم اسدالهی، صداسلامی، علیرضا اکبری شاندیز، حسین بهبودی پشته، علی پرهیزی، رضی الدین تابان، مینا جیری، محمد جودکی،

مهرابنگیز رضانی، ناصر شعاع آذر، صدر شمس الدین، زهره صدیق تنگابنی، محمد رضا غیری، بهرو زفیاشوند، محسن فارسانی، تقی قانع خشکه بیجاری، انوشیروان لطفی، اکبر مرادیان، بروجنی، جواد ملاحسنی، محسن میرزاپور، فرهاد نگهبان، علیرضا نوبیری، مخی نیک پی.
هم میهنان گرامی!

انقلابیون و میهن پرستان ایران!

جان فدائیان زندانی در معرض خطر جدی است. در دفاع از این فرزندان مبارز، و همزمان پاک باخته، صدای اعتراض خود را سرتکبیم. برای خنثی کردن توطئه های حکومت علیه انقلابیون و میهن پرستان برای قطع شکنجه و کشتار فرزندان خلق همگی و با تمام نیرو بکوشیم. فدائیان، توده ایها، مجاهدین، مبارزین انقلابی و همه میهن پرستان اسیر، زهر گروه و سازمان میهن پرست و ترقیخواه، این اندیشه و خواست را دارند که همه انقلابیون و میهن پرستان نیروی خود را در دفاع از آنها، بطور مشترک و هماهنگ بکار گیرند. به خواست همزمان در بند خود پاسخ مثبت دهیم.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، از همه نیروهای ترقیخواه جهان، از همه سازمانها و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی دعوت می کند، در دفاع از رفقای در بند ما و همه اسیران انقلابی و میهن پرست که در زندانهای جمهوری اسلامی در بندند و زیر شکنجه های مرگ بار قرار دارند، صدای اعتراض خود را سرتکبند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
۶۳/۲/۱۵

“حکومت اوین”

حصار در حصار قفس
هزار در هزار پرند
آسمان چه سنگین - چه سنگین فروتنی آید در اوین!
ودرهای آهنین حایلند در فواصل عاشقان
دیوارها، همانند برگهای گیاهان گشتخوار سپهری آیند
زندانیان بلعیده می شوند
زندانیان - با دهان مرگ بلعیده می شوند
هزار در هزار فرزندان تو مرگ را تجرئه میکنند وطن مخموم!
در آنجا - آه چه تلخ
گذرد اما ند شمشیری زهرآلوده را در طول پیکر
دهقان شورشی
و بامیله شعله ور
قلب معدنچی فقیر را به مرگ دوخته اند
نه ستاره، نه آفتاب

تنها روشنائی عمر تست - قطره قطره
که در تابوت تاریک بدیت می یزد ای اسیر شفته!
در اوین - گیسوان پوشیده زنان
چشمان برکنده که نسلا ن - رقص پایا بر پیولا دگداخته
و مگس نوشید خونهای تسلیم نشده را بی تاب می کند
در اوین - ستم بازبان تا زبانه سخن می گوید!
این شقی کیست که در رگس سرش بد می نوشند هرزگان؟
لین بانوی بارور کیست که از ننگونه پرتابی می شود
بر نیزار نیزه ها؟
ای بهت زدگان میهن تاریک!
این خواهر که د شماسکت رگانش را لا شخواران
از پیکر بر می کشند؟
این دختر که د شمایان است
که قدیس با بان با پرچم هرزگی فتحش می کنند؟
پاسخ دهید با من - ای از تبار کاوه - تهمن!
این مرد کیست؟ از کدام قبیله ست
که جانوران پوزه در خون روز را بر خاکسترش می چرخانند؟
x x x

دژخیمان تعویض میشوند - و پرچمها، دیگرگونه
ردا پوشان - برابر به قدرت یاد شاهان خسته جای میگیرند
و اوین همچنان وضوی صبحگاهی درخون و شیرکان
میگیرد
و ساغر ضحاکان را به ساغر شکسته اجساد عاشقان میزند
در شامگاهان همچنان
دشته ای به دلیران ارمان میبندد
تا پرده شرافت خویش را
برد رند
و جاری میکند گنداب فرامین خویش را در سرتکب میهن
و نمک می باشد بر زخم های تن
پرچم مرگ بر فراز اوین و هزاران شمع خلود در زمین
با اینهمه - نه پادشاهان، نه ردا پوشان
هرگز نتوانستند - نتوانستند که بغیرانند
این شعله بزرگ سراسری را که می گستراند تن
در سرتکب کاوه - تهمن!
مانی
۶۳/۲/۱

"رفع ابهام از وضع مالکیت ارضی"، "بمنفع ملاکین و سرمایه داران"

بقیه از صفحه اول

درده ما وجود دارد بدست من پیوند زده شده است و "...."، آیت الله مشکینی گفت که یک "روستا زاده" است و کسی است که سنواتی از عمر خویش را در یکی از روستاهای دور افتاده کشور مشغول بوده است، خلاصه درباره همه چیز گفته شد و سخن رفت، جز زمینهای بایر و دایره مشمول بند "ج" و "د" می شدند و آنجا که رئیس مجلس گفت: "همه ملت می گویند تکلیف زمین را روشن کنید" (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت)، گفت چگونه؟ قبل از بررسی این موضوع تبلیغاتی جدید رژیم درباره کشاورزی و تعیین تکلیف زمین و رفع ابهام از آن، این سوال مطرح می گردد که آیا اکنون نیز سخن بر سر این ابهام همان محتوای زمانی را دارد که رهبران جمهوری اسلامی هنوز به اهداف انقلاب بهمن خیانت نکرده بودند و مبارزه ای واقعی بر سر این مساله در حاکمیت در جریان بود؟ و آیا ابهام قبلا، عملا در جهت منافع ملاکین و سرمایه داران بزرگ رفع نشده است؟

از اولین روزهای پس از انقلاب، دهقانان با شور و اشتیاق تمام زمینهای وسیعی را مصادره نمودند. زمینها، قطعات بزرگ نیز از جنگ بزرگ مالکان و سرمایه داران وابسته خارج و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت. از همان ایام نیز نبرد بر سر تعیین تکلیف این زمینها از نظر قانونی بین نیروهای وفادار به انقلاب و مردم با نیروهای خواهان سلطه مجدد بزرگ مالکان روستاها بودند، آغاز گردید. دهقانان در تمام نقاط علیه توطئه های بزرگ مالکان و عوامل آنها به مبارزه برخاستند و نیروهای انقلابی و نهاد های توده ای جوشیده از وطن انقلاب نیز از آنان حمایت بعمل می آوردند.

در فروردین سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب قانونی مبنی بر واگذاری واحیاء اراضی موات از تصویب گذراند. سپس هیات هفت نفره واگذاری زمین تشکیل گشته و به تقسیم زمینها پرداختند. اما مدتی بطول نیا نجامید که با توطئه و فشار عوامل مالکان در حاکمیت، فشار همه جانبه برای متوقف ساختن روند تقسیم اراضی آغاز گردید و سرانجام در گام اول، حکومت با دستور رهبری جمهوری اسلامی اجرای بند "ج" و "د" را متوقف ساخت و موجبات پایکوبی و شادمانی زمینداران فراری را فراهم آورد و توطئه های مالکان برای بازپس گرفتن مواضع از دست رفته شدت یافت. قانون اصلاحات ارضی که تحت فشار فقهای وابسته به بزرگ مالکان گوش و دم - بریده شده بود، دردی ماه ۶۱ به تصویب

مجلس رسید، لیکن از تأیید شورای نگهبان نگذشت و غیر شرعی و مغایر با احکام دین و اسلام اعلام گردید. دهقانان، نیروها و نهاد های انقلابی بطور یکپارچه خواهان تعیین تکلیف مالکیت ارضی و رفع ابهام آن بمنفع دهقانان گردیدند.

روشن بود که رفع ابهام در مورد مالکیت ارضی در رابطه تنگاتنگ با سمت گیری آینده حاکمیت جمهوری اسلامی قرار داشت. با تحکیم موضع راستگرایان و سازشکاران، زمینداران و حامیان آنها در گام بعدی توانستند موجب رد قانون "احیاء و واگذاری اراضی مزروعی" توسط شورای نگهبان گردند و سرانجام رهبری جمهوری اسلامی که دست پینه بسته "دهقان

را" سند مالکیت" می دانست، مجلس را به اطاعت از شورای نگهبان منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان فراخواند و بدین ترتیب حرف آخر در مورد مساله تقسیم زمین زده شد. از آن هنگام این مساله در حکومت ظاهرا به فراموشی سپرده شد و در مورد آن سکوت اختیار گردید. در حالیکه دهقانان با تهیه طوهارها و ارسال سیل نامه ها و تلگرام ها خواستار روشن شدن وضع مالکیت زمین بمنفع خویش بودند. اما حکومت باین اقدامات واقعی نگذاشت و کم کم زمینه را برای مسلط کردن مجدد زمینداران بزرگ مساعد ساخت. حکام شرع راههای شرعی بازگرداندن اراضی تقسیم شده - حتی در زمان شاه معدوم - را بتدریج در مقابل زمینداران گذاردند و آنها نیز تحت حمایت پاسداران و ژاندارمها شروع به بازگشت به روستاها نمودند. این امر مسلما با مقاومت دهقانان روبرو گردید. اما پاسخ حکومت گلوله و زندان و سرکوب بود.

با این اقدامات بتدریج امید دهقانان نسبت به انجام اصلاحات ارضی مترقی از جانب حاکمیت به یاس گرایید. نمایندگان مجلس نیز در چندین مورد اذعان داشته اند که موج بازگشت قشودالها و زمینداران بزرگ و سرکوب و زندانی کردن دهقانان به برانگیخته شدن دهقانان بر علیه حکومت انجامیده است. از جانب دیگر سیل مهاجرت به شهرها پراکنش گذران زندگی تشدید گردید و سرانجام حاکمیت نیز شروع به موعظه برای بازگرداندن روستائیان و انداختن مجدد دیو غ بردگی ملاکین برگردن آنها نمودند. اکنون نیز سخن از وجود ابهام و لزوم رفع آن از جانب سران حاکمیت مطرح می گردد. اما اگر در گذشته سخن بر سر رفع ابهام مالکیت زمین در جهت تقسیم اراضی میان

دهقانان بود، اکنون سخن بر سر چگونگی بازگرداندن بزرگ مالک و سرمایه دار و تثبیت موقعیت آنها در روستاست.

آقای موسوی "حل مساله مالکیت اراضی کشاورزی" را در برنامه سال ۶۳ دولت خود گنجانیده است و سایر مسئولان کشاورزی اظهار امیدواری می کنند که تکلیف زمینها در سال ۶۳ توسط مجلس شورای اسلامی مشخص شود. درک این موضوع که مجلس آینده سعی خواهد کرد این مسئله را در کدام جهت مشخص کند، زیاد مشکل نیست.

آقای زالی وزیر کشاورزی در یک کنفرانس مطبوعاتی بدین گونه منافع سرمایه داران را تضمین می کند: "خوشبختانه مساله حادی در رابطه با مالکیت نداریم و فقط کافی است که مساله زمینهای مورد مناقشه و اختلاف حل شود. ما اعلام می کنیم که بغیر از ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار هکتار زمینی که در رابطه با شوراهای کشت قرار دارند این امنیت وجود دارد که مردم (۱۱)

سرمایه های خود را بتوانند در زمینه کشاورزی بکار بیندازند." (اطلاعات ۲۷ بهمن ۶۲) مدتی بعد در شرایطی که میلیون ها روستایی بلا تکلیف مانده اند، آقای زالی از "علاقه مندان به کار کشاورزی" دعوت می کند و می گوید: "هم اکنون امکانات برای افرادی که می خواهند در زمینه احیاء اراضی کشاورزی و گسترش صنایع وابسته و تبدیلی و جانی فعالیت کنند، وجود دارد." (کیهان ۲۱ فروردین ۶۳) کاملا روشن است که حکومت از چه کسانی دعوت بکار نموده و خواستار تثبیت مواضع کدام طبقه اجتماعی در روستاهای ایران است. آری، هدف حاکمیت بازگرداندن بزرگ مالکان به روستاها و جذب هر چه بیشتر سرمایه داران و مسلط نمودن آنها بر جان و مال مردم تحت عنوان "جذب میلیون ها تومان سرمایه سرگردانی که در بخشهای غیر تولیدی فعالند" (کیهان ۲۱ فروردین) است.

بدین صورت مشاهده می شود هیچگونه ابهامی در مورد زمینهای دایره بایر بزرگی که مشمول بند های "ج" و "د" می شدند برای حکومت باقی نمانده است و فقط ابهام روی اراضی موجود در دست "هیات های واگذاری" می باشد. در یک کلامی توان گفت که سران حکومت با وجود اینکه فعلا حتی بخاطر برخی "مصلح شرعی" ابهام موجود را با قسسی گذاشته اند ولی بطور کلی سیاست واگذاری اراضی مصادره ای به بخش خصوصی و بزرگ مالکان را در پیش گرفته اند. تمام سخنان، تمام سیاستها و مضمون تمام جلسات و سمینارهای سیاسی در صفحه ۹

افزایش تشنج در خلیج فارس، خدمت به امپریالیسم

بقیه از صفحه اول

نخریم، یعنی فشنگ هم تهیه نکنیم، یعنی گندم هم نیاوریم، مواد کارخانه و قطعات آتار هم نیاوریم معنای این حرف یعنی این: " (نارجمعه، جمهوری اسلامی ۲۹ اردیبهشت)

با همه اینها سیاستگران جمهوری اسلامی پیش از پیشامید به "چرخش سیاسی غرب" بستانند، رفسنجانی در همان نارجمعه گفت: "ما امید داریم که یکبار تجربه برای آمریکا کفایت کافی باشد و دوباره خودشان را وارد این ماجراها نکنند... عاقلانه ترین راه هم برای همه شما این است که زودتر تشنج درید هید و این صدام عقلی را که به مانند ازه اسمش کارهایش زشت است ایترا از صحنه بیرون کنید." (جمهوری اسلامی ۲۹ اردیبهشت)

گره زدن سرنوشت جنگ به سرنوشت رژیم عراق و استغاثه از آمریکا برای "بیرون کردن آن، جمهوری اسلامی را در گردابی انداخته است که روز بروز آتار بیشتر بگام خویش کشیده و از ساحل صلح و سازندگی دور و دورتری کند. رئیس مجلس تبلیغ می کند: "مردم ایران حاضرند تاپای جان شان تا اقصای نقاط جنگ بایستند" (همانجا)

مردم ایران که در آغاز جنگ، برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و میهن در جبهه ای به وسعت ایران تجهیز شدند و متجاوزان را از کشور بیرون راندند، اکنون نمی خواهند گوشت دم توپ جنگ مداخله گرانی گردند که جزویرانی و نابودی میهن و تقویت حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس سود دیگری ندارد، مردم آگاه بخوبی تشخیص می دهند، تدویم جنگ ایران و عراق بهترین "فرصتهای طلایی" را برای "شیطان بزرگ" فراهم کرده است تا گروهبندی جدید نظامی - سیاسی از قماش ناتو و سننود در منطقه بوجود آورده تا علیه جهان صلح و ترقی بکار رود و پایگاههای امپریالیسم برای جنگ افروزی و سرکوب جنبشهای رهایی بخش در منطقه باشد. تدویم جنگ کباکنون با کاهش صد و رفت و حتی خطر قطع آن، همراه گشته است، د ورنمایی بس غم انگیزتر و طاقت فرسا برای زحمتکشان میهنان ترسیم کرده است.

جمهوری اسلامی با پاشیدن نفت بر آتش جنگ، سرنوشت تمام کشور را در خطر انداخته و راه ورود گسترده ناوگانهای آمریکایی به خلیج فارس را هموارتر کرده است. مردم میهنان! امروز ضرورت پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ۴۴ ماهه را از هر روز بیشتر لمس می کنند و صلح می خواهند. مبارزه برای صلح، مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، مبارزه برای بهروزی زحمتکشان، مبارزه برای آیندای روشن است.

جهان صلح و ترقی، پشتیبان مبارزات صلح طلبان نفردم ایران است.

نگاهی به آرایش نیروهای امپریالیسم در منطقه اهداف آمریکا و تجار از افزایش تشنجات در خلیج فارس را بیشتر مشخص می کند. چهار هواپیمای جاسوسی "آواکس" در عربستان سعودی ۶ ناو جنگی که بین سلطان نشین عمان و بحرین در رفت و آمد هستند، ۷ ناو دیگر از جمله ناو هواپیمابر "کیتی هاوک" در شمال اقیانوس هند و نزدیک تنگه هرمز قرار دارد و در یک دایره وسیع تر پایگاههای "بربرا" در سومالی، "مومباسا" در کنیا، پایگاه مهم و بسیار مدرن نظامی در جزایر مرجانی "دیه گوکارسیا"، دهها پایگاه در ترکیه از شمار پایگاهها و امکانات نظامی امپریالیسم در منطقه می باشد.

"فرصت طلایی" گسترش مداخلات امپریالیسم در خلیج فارس بوجود آمده و همه چیز مهیاست. فقط یک بهانه کوچک - "درخواست یک کشور" در این منطقه ورود آمریکا به خلیج فارس شکل قانونی خواهد بخشید و زمینه بوجود آمدن یک گروهبندی نظامی - سیاسی تجار و زی مطابق الگوی ناتو و سرکوب جنبشهای مردمی در منطقه را فراهم خواهد کرد تا هیچ موردی برای "پشیمانی" (بقول روزنامه ج ۱۰) امپریالیسم از تشدید تشنجات در منطقه باقی نگذارد.

نکته دوم که روزنامه حزب حاکم در این شرایط بحرانی و خطرناک تبلیغ می کند، اینست که گویا "فرصت طلایی" پیش آمده و برنده اصلی، این تشنجات و افزایش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا، ملت های مسلمان منطقه هستند.

در این مورد نیز وقایع نشان می دهد که برنده اصلی افزایش تشنجات در منطقه - نه "ملت های مسلمان" منطقه، که امپریالیست ها و انحصارات بین المللی هستند. بر طبق اخبار خبرگزاریها، شرکت های بیمه، حق بیمه کشتیهای نفتکش را تا سه برابر افزایش دادند و اکنون حق بیمه به سطح ۷/۵ درصد بهای نفت باگیری شده رسیده است. نفتکش ها از نزدیک شدن به خلیج فارس به ویژه جزیره خارک جلوگیری می کنند و بر اساس نوشته روزنامه "لوموند" صادرات نفت ایران بشدت کاهش یافته و از یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه به ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.

دولت ژاپن خریدار اصلی نفت ایران به نفتکش های خود دستور داده است که تا اطلاع ثانوی از نزدیک شدن به خارک جلوگیری کنند. عملا امکان صدور نفت ایران روز بروز محدودتر می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی معنای اینکار را برای مردم توضیح داده است: "معنای این حرف اینست که ما نفت نفروشیم. ما نفت نفروشیم یعنی هیچ چیز

است؟ می نویسد: "واشنگتن مایل نیست اشتباهات گذشته خود را تکرار کند و مسلما برای حفظ رژیمهایی که هیچ هنری جز خوشگذرانی ندارند، زحمت زیادی بخود راه نخواهد داد." و ادامه می دهد: "انتقال مرکز ثقل بحران ناشی از جنگ عراق و ایران، از خشکی به آبهای خلیج فارس در درجه اول به زیان ارتجاع عرب تمام خواهد شد." و سرانجام چنین نتیجه گیری می کند: "ملت ها در این میان فرصتهای مناسبی برای استفاده از شرایط موجود در اختیار خواهند داشت... این ملت های مسلمان منطقه هستند که می توانند از این فرصت طلایی برای قیام استفاده کنند و بعنوان برنده اصلی این منازعه، سرنوشت خود را در دست گیرند." (جمهوری اسلامی ۲۱ اردیبهشت)

دو نکته مهم در تبلیغات روزنامه ج ۱۰ دیده می شود: نخست بنظر روزنامه حزب حاکم، تشنجات موجود در خلیج فارس به سود امپریالیسم و ارتجاع منطقه نیست و "سیر حوادث تدریجا وارد مرحله غیر قابل بازگشتی می شود که از آن پس واشنگتن و پاریس، فرصت چندانی برای برای اظهار پشیمانی در اختیار ندارند." (همان سرمقاله)

وقایع چند روز اخیر نشان می دهند نه تنها امپریالیسم آمریکا از تشنجات موجود "پشیمان" نیست، بلکه مانند همیشه، همه تشنجات در راستای منافع امپریالیسم تجار و گستر است.

روز شنبه گذشته اعلام شد، عربستان سعودی ۲۰۰ موشک ضد هوایی از نوع "استینگر" از آمریکا خریداری کرده است. چندی پیش نیز ریگان طی نامه ای از عربستان سعودی اجازه استفاده از امکانات نظامی آن کشور را در شرایط لازم درخواست نمود. هر چند زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی اعلام کرد، حضور اتحاد شوروی مانع اساسی ورود آمریکا به منطقه است، اما دولت کویت اعلام کرد، که "خلیج" از آن کویت یا قیظرو یا عربستان سعودی و ایران نیست بلکه، متعلق به همه است و هر کس می تواند برای حفظ این مسیر نیروی نظامی وارد کند. اخبار خبرگزاریها نشانگر تکرین توطئه بزرگی در منطقه است.

در سالار پریم فرمانده نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس طی مصاحبه خود با یک روزنامه ایتالیایی گفته است: "بزودی در این منطقه تحت رهبری آمریکا گروهبندی نظامی - سیاسی، مطابق الگوی ناتو تشکیل خواهد شد."

پاسخ مسئول شعبه کارگری سازمان به سؤالات خوانندگان

اکثریت

۳ - معانعت و کارشکنی آشکار در ایجاد تشکلهای صنفی مستقل در واحدهای بزرگ دولتی (از قبیل صنایع نفت، فولاد و ذوب آهن، مس و ...) تشکیل شوراهای کارگری در اینگونه واحدها منوط به تأیید شورای عالی کار شده است (تبصره ماده ۱۷۰). پیش‌نویس "جدید" در این مورد دقیقاً پاراجای پای ماده ۱۴ قانون شوراهای بنی صدر و شورای انقلاب گذاشته است. شما می‌دانید که همین تبصره ظاهراً اهمیت چه تأثیر سیاسی مهمی بجای می‌گذارد. بورژوازی ایران از همان فردای پیروزی انقلاب ایران به این نکته توجه جدی نشان داد. بورژوازی اهمیت حضور متشکل کارگران را در واحدهای بزرگ و صنایع کلیدی کشور مثل نفت و غیره را درک می‌کرد. چون دیدند که نفتگران متشکل چگونه کم‌رزم شاه را شکستند. مضمون تبصره ماده ۱۷۰ اولین بار در شورای انقلاب (به ریاست بنی صدر) تصویب شد و در تمام دوره‌های بعد نیز بورژوازی به دقت از آن حراست کرد، تا اینکه آنرا دست‌نخورده در پیش‌نویس جدید گنجاند.

۴ - این پیش‌نویس اصل تضمین اجرایی قانون کار در واحدهای خصوصی و تعاونی را، با عنوان "مقررات خاص" موکول به رضایت کارفرمایان کرده است (فصل چهارم). بنابه مفاد این فصل دست کارفرمایان بخش خصوصی برای عدم رعایت قانون باز گذاشته شده است. مفاد این فصل بسته به اینکه بخش خصوصی تا چه اندازه اهرم قدرت دولتی را در اختیار داشته باشد، بهمان نسبت حربه‌ای در دست آنان علیه کارگران خواهد بود. در این فصل رگه‌های قابل توجهی از اصل تراضی توکلی بجایمانده است که کاملاً خصلت ضد کارگری دارد. و اصل شمول عام قانون در همه واحدهای تولیدی و خدماتی اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی و همچنین اصل تضمین اجرایی داشتن قانون را کاملاً مختل و بی اعتبار کرده است. در تشخیص ضد کارگری بودن این پیش‌نویس قبل از هر چیز نقض کامل حق تشکل صنفی مستقل و نقض مشارکت کارگران در اداره و نظارت بر تولید حایز اهمیت جدی است. در قانون کار ساله مرکزی تعیین تکلیف قانون با حق تشکل است، تشکل کارگری در هر قانون کاری، حلقه اصلی است. هراس فروهر و بازگان، نعمت‌زاده و بنی صدر، توکلی و سردمداران کنونی جمهوری اسلامی از جنبش حقوق کار قبل از همه از تشکل کارگری مستقل بوده و می‌باشد. مساله آنها تعیین تکلیف با شورا (و سندیکا) و میزان اختیارات و حقوق آن بود، چون علاوه بر همه اینها

بقیه در صفحه ۷

زمان شاه. البته در چارچوب قانون کار زمان شاه قرارداد و از جنبه‌هایی بیشتر یا آن قانون قابل مقایسه است تا با پیش‌نویس توکلی. اگر در پیش‌نویس توکلی استوار و غارت لجام گسیخته و بی بند و بار سرمایه داری آنها به آن صورت بدوی و متحجرانه مبنای مناسبات کار بود، در اینجا مناسبات کار صورت منطقی‌تر و "معقول‌تر" (از نظر منافع بورژوازی) بخود گرفته و قایل به پذیرش برخی از بدیهیات حقوق صنفی و رفاهی کارگران شده است.

این پیش‌نویس یا پیش‌نویس توکلی در مقدمه و فصول چهارم، پنجم و هشتم و جوه مشترک بارز و قابل تأکیدی دارد. دلایل اصلی مابرای ارتجاعی و ضد کارگری دانستن این پیش‌نویس چنین است:

۱ - نقض کامل حق برخورداری کارگران از تشکل صنفی مستقل (نقض اصل ۲۶ قانون اساسی). در این پیش‌نویس در تشکل کارگری علاوه بر کارگران، مدیران نیز شرکت دارند. علاوه بر آن، حق کارگران در ایجاد یا انحلال تشکل صنفی شان به دولت و کارفرما تفویض شده است. به این ترتیب پیش‌نویس شورای عالی تبدیل کردن آن به یک ارگان وابسته و فرمایشی از صورت یک تشکل مستقل خارج کرده است. این پیش‌نویس تشکیل انجمنهای صنفی مستقل کارگری را نه تنها در سطح این یا آن واحد تولیدی و خدماتی بلکه در تمامی سطوح نقض کرده است. ایجاد اتحادیه‌ها و کانونهای صنفی رشته‌ای، منطقه‌ای و ملی و به طریق اولی ضرورت ارتباط با فدراسیون‌های بین‌المللی سندیکایی اساساً نادیده گرفته شده است. بجای آن سازمانهایی دولتی و کارفرمایی در سطح مناطق کارگری تحت عنوان "هیاتهای نظارت بر شوراهای اسلامی منطقه" بر کارگران تحمیل شده است. این هیات که حق انحلال شوراهای کارگری منطقه خود را دارد، در واقع چماق وزارت کار و کارفرمایان است.

۲ - نقض کامل حق مشارکت کارگران در برنامه‌ریزی و اداره تولید (نقض اصل ۴۰ قانون اساسی). یکی از مهمترین انگیزه‌های جنبش حقوق کار در مکرانیک علیه قانون کار زمان شاه همین حق مشارکت کارگران در برنامه‌ریزی و اداره واحدهای تولیدی و خدماتی کشور بود. این مطالبه برحق زحماتشان در اصل ۱۰۴ قانون اساسی نیز بازتاب یافت. اما این حق مسلم و این دستاورد اصیل جنبش انقلابی و کارگری در این پیش‌نویس مخدوش و مبتذل شده و اساساً مسخ و مثله شده است. (فصل هشتم پیش‌نویس).

پیش‌نویس قانون کار پس از انتشار مجدداً از جانب وزارت کار و اظهار نظر کارگران در مورد ضد کارگری بودن آن، بدون تغییر اساسی جهت تصویب به هیات دولتی داده شد. خوانندگان نشریه "اکثریت" سؤالات متعددی در مورد این پیش‌نویس و مواضع سازمان پیرامون مسایل کارگری مطرح کردند. نشریه "اکثریت" این سؤالات را برای شعبه کارگری سازمان فرستاد. مسئول شعبه کارگری سازمان پاسخ‌های سؤالات را برای ما ارسال داشتند. ماضی‌ن تشکر، پاسخهای رفیق را در این شماره و شماره آینده درج می‌کنیم.

○ ○ ○ ○

س ۱ - نظر سازمان در مورد پیش‌نویس قانون کار جدید چیست؟
ج: قانون کار پس از قانون اساسی مهمترین قانون هر کشور است.

در جریان انقلاب و بویژه با پیروزی انقلاب، طبقه کارگران ایران، پرچمدار جنبش حقوق کار دمکراتیکی شده که مضمون آن رد قانون کاریشین و تدوین یک قانون "کارو نامیبن اجتماعی" مترقی با مشارکت نمایندگان کارگران بود. با پیروزی انقلاب و نقش‌آرزانده و بارز طبقه کارگر در انقلاب و تدوین قانون اساسی جدید، بخشی از خواستههای طبقه کارگر در اصولی از قانون اساسی منجمله در اصول ۲۶، ۲۹، ۴۰، ۴۱، ۱۰۴ بازتاب یافت. این اصول امکانات تازه و پایه‌های حقوقی رافراهم می‌آوردند تا براساس آن قانون کار دمکراتیک با مشارکت نمایندگان کارگران تدوین شود.

از نیمه دوم سال ۶۰ به بعد تدوین چنین قانون کاری به یکی از عرصه‌های بسیار مهم مبارزه طبقه کارگر با نمایندگان سرمایه داران و دیگر مترجعین بدل شد. در سال ۶۱ این مبارزه را اعتراض یکپارچه و نیرومند میلیونها کارگر علیه پیش‌نویس‌گذاری توکلی اوج گرفت. فعالیت گسترده و روشنگرانه فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران علیه این قانون ارتجاعی در کنار گذاشتن این پیش‌نویس ارتجاعی و غیر انسانی نقش تعیین کننده داشت و باند توکلی را رسوا و طرد کرد. سران راستگرای جمهوری اسلامی ایران، پس از این شکست شعار "اصلاح و تکمیل" پیش‌نویس توکلی را پیش کشیدند. و به عقب نشینی ناخواسته‌ای تن دادند و به کمیسونی مرکب از ۸ وزیر و بعد ها وزیر کار جدید ماموریت دادند و وراژ چشم کارگران و بی توجه به اصول قانون اساسی، پیش‌نویس تجدید نظر شده‌ای را تهیه و ارایه نمایند. حاصلش این شد که می‌بینید به نظر ما این پیش‌نویس به اصطلاح "جدید" ملغمه‌ای است از پیش‌نویس توکلی و قانون کار

بقیه از صفحه ۶

مهمترین ضامن تدوین و اجرای هر قانون کاری نیز همان تشکیل کارگران است. آنچه بر سر مردم دلائل اصلی مابرای ارتجاعی و ضد کارگری دانستن این پیش نویس است. گرچه دلائل دیگری هم برای مخالفت با پیش نویس جدید وجود دارند که دارای اهمیت جدی هستند:

الف - احیای ماده ۳۳ - این پیش نویس در مقایسه با پیش نویس توکلی که دست کارفرما را در اخراج کارگر کاملاً باز گذاشته بود، البته محدودیت هایی بوجود آورده است، اما در مقایسه با قانون کار زمان شاه همان مضمون ماده ۳۳ را کاملاً در مواد ۳۱، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ حفظ کرده است. شمایک بار مواد ۳۳ و ۳۴ را در پیشین را با مواد ۳۱ تا ۳۷ پیش نویس جدید مقایسه کنید، ببینید، هیچ تفاوت کیفی ندارند. اینکه پیش نویس "جدید" کارفرما یا بقول خودش "صاحب کار" راه پرداخت اجرت امثل کار انجام شده موظف می کند چیز جدیدی نیست. ماده ۳۳ و ۳۴ قانون کار زمان شاه هم بنده پرداخت غرامت ناشی از اخراج به کارگر تصریح داشت. و بعد هم با چند شاهی سروته غرامت اخراج راه می آورد. مساله اساسی تری این است که خواست اصلی کارگران در لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه تامین امنیت شغلی برای کارگران است، نه چانه زدن روی نرخ غرامت اخراج. کارگران خواهان تضمین حق کار و امنیت شغلی قانونی و همچنین تصریح قانونی حق تشکیل کارگری در تشخیص تأیید و یار اخراج کارگران (بعنوان یک اهرم تضمین اجرایی قانون) بوده و هستند. پیش نویس همه جا، به جای اخراج کلمه فسخ قرارداد را گذاشته است. روشن است که فسخ قرارداد علیه کارفرما صورت نمی گیرد. این کارگزار است که همیشه از این فسخ، یاد قیق تر بگویم اخراج و انفصال از کار، زبان دیده می بیند. این هم آزمودی - گریهای طراحان پیش نویس "جدید" است.

ب - عدم شمول قانون در واحدهای ساختمانی و به اصطلاح موقت - تبصره ماده ۱۶۵ پیش نویس "جدید" تکرار ماده ۱۸ تشکیل شوراهای زمان نعمت زاده و زیر کار سابق است. به انکای همین ماده ۱۸ بود که وزارت کار اختلالات و کارشکنی های جدی در تشکیل شوراهای واحد ها بوجود آورد. مادرحد و د یک میلیون کارگر ساختمانی داریم. ماده ۱۶۵ بخش قابل توجهی از توده کارگران را از حق شکل محروم می کند.

پ - این پیش نویس، در بخش مربوط به روابط حقوقی کار با مبنا قرارداد ضابطه های عقب مانده ای مانند عقد و شرط راه را برای تحمیل قرارداد کار کو تا مدت و موقت باز گذاشته و امنیت شغلی کارگران را بیش از پیش به خطر

انداخته است.

ت - پیش نویس جدید همانند قوانین گذشته حق اعتصاب را که از حقوق بدیهی و مسلم همه کارگران است اساساً مسکوت گذاشته و نفی کرده است.

ث - در تدوین و اجرای ضوابط و مقررات و آیین نامه های کار اساساً نقش تشکل های کارگری نادیده گرفته شده است.

ج - در عرصه های دیگر نیز حقوق اولیه صنفی - رفاهی را نقض می کند، که فهرست وار به آنها اشاره می کنم: مدت دوره کارآموزی بجای ۶ ماه ۲ سال تعیین شده است. و این تنها به نفع کارفرما است. سن پانزده سالگی معلوم نیست، که باید برای زنان ۵۵ سال و برای مردان ۶۰ سال باشد. حداقل سن کار برای کارگران کشاورزی ۱۲ سال تعیین شده است، بدون آنکه کارفرما قانوناً مجبور شود شرایط ادامه تحصیل این دسته از کارگران فراهم کند. تبعیض در مرخصی سالانه بین کارگران و کارمندان (که باید این تبعیض از بین برود) و مرخصی سالانه یک ماه برای همه مساوی اعلام شود. روز اول ماه مه نیز تعطیل اعلام نشده است. به حقوق صنفی و ویژه زنان نیز بطور مبهم و دودپهلوی اشاره شده و جای سوء تفسیر علیه حقوق زنان کارگر کاملاً باز است. (مواد ۸۵، ۸۷، ۸۸ و ۹۰) و علاوه بر آن مرخصی دوران زایمان کوتاه است. در حالیکه حداقل ۹۰ روز لازم است. در پیش نویس حداکثر ساعات کار کارگران در هفته تصریح نشده است و مسکوت مانده است. باید حداکثر ساعت کار هفتگی کارگران با کارمندان یکسان گردد و در قانون کار تصریح شود.

س ۲ - به نظر سازمان یک قانون کار مترقی چه مختصاتی باید داشته باشد؟

ج : شامی دانید که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) چه در برخورد با قانون کار پیشین و چه در برابر پیش نویس توکلی و همین پیش نویس "جدید" آلت رناتو حقوقی مشخص و روشنی در زمینه قانون کار و تامین اجتماعی ارایه داده است. که رئیس کلی آن در طرح برنامه سازمان انعکاس یافته و بطور مشروح نیز در اسناد منتشره سازمان بازتاب یافته است. علاوه بر اینها در مقاطع مختلف، ما جزوه ها و بروشورهای متعددی حاوی رهنمودهای سیاسی و عملی مشخصی برای اعتلای جنبش حقوق کار - چه بصورت علنی و چه غیر علنی - منتشر کرده ایم. ما جزوه ای تحت عنوان رئیس و مضامین اصلی حقوق کار انتشار دادیم. عنوان این جزوه "قانون کار و تامین اجتماعی مترقی را چگونه باید تدوین کرد؟" بود. آنرا در اختیار کارگران قرار دادیم که به خیریه موشمارزه طبقه کارگر علیه پیش نویس کذابی توکلی بدل شد. در برابر پیش نویس با اصطلاح "جدید" هم

حرف مارو شن و مشخص است. کارگران نیز تا حد قابل توجهی به مواضع ما در این زمینه آگاهی دارند. فعالیت موشمارزه فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در رابطه با ارتقاء آگاهی کارگران نسبت به حقوق کارسبب شده است. که امروز سرحدی زاده در مقابل کارگران درمانده می شود و جلسات هفتگی را تعطیل می کند. این شکست نشانه آگاهی کارگران است. اینکه حتی در گرد همایی هایی نظیر اجتماع ۵۰۰ نفره نمایندگان کارگران در کارخانه دخانیات، پیش نویس "جدید" قانون کار با اعتراض همگانی مواجه می شود و نمایندگان کارگران با دلائل مشخص و دقیق پیش نویس را زیر سؤال می برند، دلیل بارز این آگاهی است. برای تدوین و اجرای قانون کار و تامین اجتماعی مترقی در شرایط امروزین جامعه ما پایبندی برد و اصل اساسی زیرضروری می شناسیم: یکی مشارکت کارگران است و دیگری اصول و ضوابط حقوقی ناظر بر تدوین یک قانون کار. مشارکت کارگران بطور خلاصه به معنی شرکت طبقه کارگر (اعم از پیشروان سیاسی، رهبران و نمایندگان صنفی و توده های کارگر است). اما اصول و ضوابطی که باید در تدوین قانون کار مورد تأکید قرار گیرد، رعایت ۳ نکته اساسی زیر است: ۱ - ساختمان قانون کار ۲ - شمول قانون ۳ - ضمانت اجرایی آن. ۱ - ساختمان قانون کار خود باید شامل سه جز به هم پیوسته زیر باشد:

الف - مقدمه، ب - اصول، پایانی
پ - اصول و ضوابط اختصاصی.
الف - مقدمه - قانون کار مترقی باید مشتمل بر مقدمه ای باشد که در آن قبل از هر چیز مقام طبقه کارگر در جامعه و همچنین نقش این طبقه در انقلاب و دستاوردهای آن مورد تأکید قرار گیرد. در این مقدمه باید هدف و سمت تدوین قانون که ناظر بر هرگونه نفی غارتگری و اجحاف و در مناسبات کار است، مشخص گردد. باید ایجاد مناسبات عادلانه در عرصه کار و در جامعه بعنوان هدف کلی این قانون مورد تأکید قرار گیرد.

ب - بخشی از قانون باید دربرگیرنده اصول پایه ای حقوق کار باشد. ۱ - ز قبیل حق کار، حق تشکل آزادانه و مستقل کارگری، حق مشارکت کارگران در برنامه ریزی و اداره تولید و حق تامین اجتماعی و ...

در تدوین یک قانون کار مترقی در سراسر جهان - پایه ای ترین سند مرجع همان اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی مصوب ۱۹۴۸ فدراسیون جهانی است. علاوه بر آن باید مقادیر نامه های سازمان بین المللی کار که مورد پذیرش بسیاری از دولتهاست مورد استفاده قرار گیرد.

بقیه در صفحه ۱۰

قانون کار باید با مشارکت کارگران تدوین شود

در حاشیه



شوخی نیست!

"نامن کردن خلیج فارس موجب میشود که دیگر قطره ای نفت نگذاریم از این تنگه رد شود و دنیا یخ بزند، زمستان آینده اروپا و آمریکا باید منجمد شوند و اگر نفت به رویشان بسته شود همه شان یخ می زنند." (حجت الاسلام سید هادی طباطبایی امام جمعه فیروزکوه، روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱ اردیبهشت صفحه ۱۰)

"کشورهای سوم"

وزیر امور خارجه مالت که به تهران آمده بود، پس از امضای یک "یادداشت تفاهیم" با وزارت خارجه ایران به کشورش بازگشت. آقای ولایتی در این مورد طی مصاحبه ای در مورد روابط حسنه ایران و مالت گفت: "در زمینه بازگانی و خرید کالاهایی که برای کشور بعنوان واسطه در آن عمل می کند، و گسترش روابط فرهنگی از موضوعات مورد علاقه دو کشور می باشد." (کیهان ۱۳/۲/۲۵)

جمهوری اسلامی همزمان با اختیار و ابطال نابرابر اقتصادی با کشورهای امپریالیستی، آن کالاهایی را که بنا به دلایلی نمی توانست

توکلی و رای به "صالحان"

"امت حزب الله تهران به صالحان رای می دهد." (از تراکت تبلیغی توکلی برای انتخابات، اطلاعات ۲۵ اردیبهشت). هر چند صالحان واقعی امکن شرکت در انتخابات را نداشتند، اما ظاهر "امت حزب الله" در مورد شخص توکلی به توصیه وی عمل کرده اند.

دستشویی و چراغ قرمز!

اخیرا آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور تعبیر جدیدی از مضامین بحثهای اقتصادی - اجتماعی حول "احکام اولیه" و "ثانویه" و "مسایل مستحده" ارائه داد. او گفت:

"عنوان ثانوی و عنوان اولی ... بعضی از مسایل یا از مسایل مستحده است یا از یک دریچه ای بحث شده است و از دریچه حکومتی بحث شده است، شما وقتی که وارد دستشویی می شوید آنجا نوشته شده وقتی که می روید اول پای چپ، بعد راست چپ و در آن بگذارید و وقت بیرون آمدن به عکس. وقتی می نشینید سنگینی بطرف چپ باشد، تا این

ریزه کاریهای دستشویی نوشته شده است، اما وقتی که رانندگی می کنید در چراغ قرمز باید چکار کنید، از دست راست بروید یا از دست چپ، ورود ممنوع را چکار باید بکنید، این مساله چیزی است که تازه وارد زندگی ما شده است، این معنایش این نیست که یکی سنتی است و دیگری غیر سنتی." (اطلاعات ۱۳ اردیبهشت)

جمهوری اسلامی در سودان!

"قطع دست راست و پای چپ رسودان برای ربودن ده دلار" (جمهوری اسلامی ۶۳/۲/۲۵)

احتمالا سودان هم يك نسخه از قانون قصاص جمهوری اسلامی را دریافت نموده است. روز بعد مشا و رنیری در امور خارجی اعلام کرد: "احتمالا سودان بزودی تبدیل به يك جمهوری اسلامی می شود." (اطلاعات ۶۳/۲/۲۶)

اینهم صد و انقلاب به سبک جمهوری اسلامی.

دوست مشترک

جرج بوش معاون رئیس جمهوری آمریکا: "برای حفظ امنیت پاکستان ۳/۲ میلیارد دلار به ژنرال ضیاء الحق کمک مالی می کنیم." (کیهان ۶۳/۲/۲۹)

"مجلس لایحه استمهال دولت پاکستان را در رابطه با وام پانصد و هشتاد میلیون دلار این کشور تصویب کرد." (اطلاعات ۶۱/۶/۵)

ترجمه به فارسی: دولت جمهوری اسلامی برای کمک به کشور "برادر" پاکستان، دریافت وام پرداختی به این کشور را به تعویق انداخت.

رفع ابهام از ۰۰۰

بقیه از صفحه ۴

که برای حل مساله مالکیت ارضی صورت می گیرد، نمودار این سیاست حکومت است، که باید اراضی مصادره ای به "مالکان مشروع" آنها پس داده شوند. آنچه مسلم است، اکثریت تمام اراضی موجود زیر پوشش "بنیاد مستضعفان" اراضی بزرگمکانیزه هستند که طبق اصل ۴ قانون اساسی باید دولتی باشند. ولی رهبران جمهوری اسلامی اکنون نه تنها به "اصل ۴" بلکه به هیچیک از مواد مردمی قانون اساسی وفادار نیستند. "بنیاد مستضعفان" نیز زمینه برگرداندن اراضی زیر پوشش خود را فراهم نموده است: "بر اساس طرح خانه تکانی بنیاد مستضعفان واحدهای کوچک (!!) خود را به بخش خصوصی واگذار می کند." (کیهان ۲۸ فروردین)

در این میان گروهی از سران حکومت که در سالهای گذشته بر محور تقسیم زمینهای بایر و دایر (بیش از سه برابر عرف محلی) تبايع می کردند، حتی حرفهای خود را پس گرفتند. آیت الله مشکینی که خود یکی از تاييد

کنندگان مصوبه شورای انقلاب بود در "هفته کشاورزی" فقط می گوید: "زمینهای موات که متعلق به خدا، امام زمان (عج) و مردم است باید زیر نظر دولت اسلامی و در دست مردم باشد." (جمهوری اسلامی ۱۴ اردیبهشت ۶۳) و رئیس مجلس شورای اسلامی که می گوید: "همه ملت می گویند تکلیف زمین را روشن کنید بدون درنگ اضافه می کند، البته مانعی گهیم اینها که صاحب این زمینها هستند شرعاً مالک آن نیستند" و ادامه می دهد: "تا این مساله حل نشود و مالک و کشاورز امنیت کامل نداشته باشند و آینده برای آنان روشن نباشد مانعی توانیم کشاورزی را رونق دهیم." (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت)

بدینصورت مشخص می شود که هیاهوهای تبلیغاتی در باره "هفته کشاورزی" و "کشا و رزان نمونه" و "روشن کردن تکلیف زمین" هیچگونه زمینه عینی ندارد و حکومت نمی خواهد کار برای دهقانان کم زمین و بی زمین انجام دهد. حکومت در تداوم سیاست اعلام شده توسط وزیر کشاورزی می خواهد "مالک امنیت داشته باشد" و سرمایه داران را به سرمایه گذاری در روستاها ترغیب نماید و چون همه اینها بدون حضور دهقانان در چرخ تولید

کشاورزی میسر نیست از آنها می خواهند: "از دهات و روستاها مهاجرت نکنید و سعادت کشور خود را از این بین نبرید." (آیت الله مشکینی جمهوری اسلامی ۲۴ اردیبهشت)

چنین سیاستهای در عرصه روستاها فقط به مساله ارضی که تنها محور مسایل مربوط به روستا بلکه یکی از اساسی ترین مسایل انقلاب بهمن می باشد محدود نمی گردد، سیاست فسخ شوراها و دهقانی، سیاست انحلال شوراهای کشت، سیاست انفعال و متلاشی کردن شاعها و همه و همه حاکی از این است، که می خواهند با تمام موجود روی زمینهای زیر پوشش "بنیاد مستضعفان" را به نفع ملاکین بزرگ و کلان سرمایه داران رفع نمایند و نهادهای جوشیده از بطن انقلاب را که همیشه اهرمی برای دفاع نابود ساخته و از بین ببرند. اما دهقانان زحمتکش با چنگ و دندان از دستاوردهای مبارزات چندین ساله خود دفاع می کنند و به همراه کلیه نیروهای انقلابی و مردمی نخواهند گذاشت باریگری و غبندگی و استثمار فئودالی و بورژوازی برگرداند زحمتکشان روستا استوار گردد.

انتخابات

بقیه از صفحه ۲

به شورای نگهبان حمله کردند. "ابطال" های شورای نگهبان بجای تقویت موضع آن، به تفسیر بالایی تبدیل شد و "فقهایی محترم" بی آبرو تر شدند، بطوریکه رهبری جمهوری اسلامی خود را ناچار به مداخله دید.

"افرادی که نظریه شورای نگهبان در ابطال یا تایید بعضی حوزه ها موافق میلشان نبوده است، دست به شلیحه افکنی زد و اعضای محترم شورا ی نگهبان (را) تضعیف یا خدای ناکرده توهین می نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زدند... من به آقایان هشدار می دهم... باید بگویم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را بسیار آشنایی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنها، به مقامشان را لازمی دانم... به شورای نگهبان تذکری دهم که در کار خود استوار باشند." (اطلاعات ۲۶ اردیبهشت)

این موضع گیری که به تصریح سران حکومت باهدف جلوگیری از تشدید باز هم بیشتر اختلافات انجام گرفت، با واکنش منفی و آشکار مردم مواجه شد. تعدادی دهنندگان در مرحله دوم انتخابات بهیزان قاحشی وحتی در برخی شهرها به نصف کاهش پیدا کرد. در مقایسه با مرحله اول انتخابات تهران که در آمار رسمی مجموع آرا ۲۳۰۸۶۷۰ اعلام گردید، در مرحله دوم در تهران طبق آمار اعلام شده ۱۲۷۰۴۷۱ نفر شرکت کردند، یعنی تعداد رای دهنندگان ۴۵ درصد کاهش یافت. ناطق نوری وزیر کشور سعی کرد این امر را با گفتن اینکه درد و روز تعطیل بهاری، عده زیادی از مردم به مسافرت رفته و نتوانستند رای دهند، توجیه کند. (جمهوری اسلامی ۳۱ اردیبهشت)

اما چنین توجیهاتی به هیچ وجه نمی تواند این واقعیت را لاپوشانی کند که عدم شرکت در انتخابات، در مرحله دوم به شکل عمده ایزار مخالفت مردم تبدیل شد. مردمی که انتخابات را روزه ای برای اعلام مخالفت خود با سیاست حاکم یافته بودند، مشاهده کردند که تأثیر اراده آنها در سیاست حکومت از طریق انتخابات با وجود سد سکندر شورای نگهبان تقریباً به هیچ کاهش می یابد.

در تهران نتیجه مرحله دوم انتخابات چهار روز پس از رای گیری اعلام شد. از کاندیداهای مستقل و اختصاصی "انجمنهای اسلامی" (دانشجویان و معلمان و...) تنها یک نفر انتخاب گردید. در عوض، انتخاب ۱۴ نفر از لیست ۱۷ نفره حزب جمهوری اسلامی و ۱۴ نفر از لیست ۱۷ نفره جامعه روحانیت مبارز، یک توافق آشکار میان این دو رانشان داد. از صندوق درآوردن آذری قمی دبیر جامعه مدرسین، نمونه دیگر از اینگونه نزدها و تقلبات است. نتیجه انتخابات مرحله اول قم بترتیب نفراول ۱۴۶۱۶۰ رای، نفر دوم

۱۰۱۸۷۲ نفر سوم ۸۸۴۳۷ رای و نفر چهارم (آذری قمی) ۶۴۳۸۸ رای بود. سپس از ورود نفراول به مجلس، نفر دوم و نفر سوم به مرحله دوم انتخابات رفتند. اما سه روز قبل از انتخابات مرحله دوم، محمدعلی شرعی نفر سوم (کاندیدای دیگر حزب جمهوری و جامعه مدرسین) طبعی اعلامیه ای انصراف خود را از شرکت در انتخابات مرحله دوم بیان کرد. وی در این اعلامیه گفت: "باتوجه به اینکه در این مرحله تنها یک نماینده از شهرخون و قیام انتخاب خواهد شد، اینجانب نیز مانند همگان بر اساس موازین اسلامی و تأکیدات مکرر امام امت خود را ملزم به انتخاب اصلحی دانم و بدین جهت حضرت آیت الله آذری قمی را... بدون هیچ تردیدی برخودم مقدم دانسته و انصراف خود را اعلام می دهم و طبق وظیفه شرعی انتخاب اصلح، به ایشان رای خواهم داد." (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت)

باراهیبی آذری قمی به مرحله دوم معجزه صندوق کارساز می شود و وی با ۷۵۰۰۹ رای بعنوان "نماینده مردم قم" راهی مجلس میشود و معلوم نیست نفر دوم مرحله اول کس است. اما با این حال، حتی در مرحله دوم نیز آبرو باخته تر شدن چهره های رسوا و راست نظیر عسکرا و لادی که هم حزب جمهوری و هم روحانیت مبارز تهران او را کاندید کرده بودند - و توکلی - که مخالف هفتگی صرف تبلیغات کرد و علاوه بر بازار، کاندید "جامعه صنعت" یعنی صاحبان کارخانجات هم بود و جمله معروف "توکل می بردم" است. رادهمو اعلامیه های خود آورده بود - ادامه یافت. از این دو هیچ یک به مجلس راه نیافتند. محمد یزدی که در صدر لیست نهاد های قدرت بود از مقام اول به رده سوم تنزل کرد. اکنون که انتخابات پایان یافته و دور دوم مجلس شورای اسلامی افتتاح شده است،

در حالی که در دوران انتخابات، مردم به هیچ کاهش پیدا نکردند، مشاهده کردند که تأثیر اراده آنها در سیاست حکومت از طریق انتخابات با وجود سد سکندر شورای نگهبان تقریباً به هیچ کاهش می یابد.

در تهران نتیجه مرحله دوم انتخابات چهار روز پس از رای گیری اعلام شد. از کاندیداهای مستقل و اختصاصی "انجمنهای اسلامی" (دانشجویان و معلمان و...) تنها یک نفر انتخاب گردید. در عوض، انتخاب ۱۴ نفر از لیست ۱۷ نفره حزب جمهوری اسلامی و ۱۴ نفر از لیست ۱۷ نفره جامعه روحانیت مبارز، یک توافق آشکار میان این دو رانشان داد. از صندوق درآوردن آذری قمی دبیر جامعه مدرسین، نمونه دیگر از اینگونه نزدها و تقلبات است. نتیجه انتخابات مرحله اول قم بترتیب نفراول ۱۴۶۱۶۰ رای، نفر دوم

علیرغم تفاوتهایی که در ووال و نتایج انتخابات مرحله اول و دوم وجود داشت، می توان یک ارزیابی کلی از جریان انتخابات از آغاز تاکنون ارائه داد و آن این است که رهبری جمهوری اسلامی باهدف حل تضادی که از سال ۶۰ بعد به حادترین تضاد درون سیستم حاکم فراروئیده بود، یعنی تضاد میان شورای نگهبان منتخب رهبری و اکثریت مجلس بسود شورای نگهبان، انتخابات دوره دوم را تدارک دید. سران حکومت برای سرکوب آراء مردم در انتخابات مجلس و جلوگیری از بازتابان در نتیجه انتخابات، کلیه وسایل و تمهیداتی را که در اختیار داشتند بکار گرفتند. آنها با ادامه سرکوب فاشیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب پوده ایران، سازمان مجاهدین خلق و سایر احزاب و سازمانهای ضدامپریالیست و مردمی از شرکت آنها در انتخابات معمانعت کردند. سردمداران حکومت با تهدید و ارباب، از کاندیداتوری مجدد گروهی از نمایندگان دورا وول جلوگیری بعمل آوردند. سران جمهوری اسلامی نقشه کشیدند تا کل جریان انتخابات را در تحمیل یک لیست انتصابی واحد خلاصه کنند و سرانجام نیز با تبدیل شورای نگهبان به ارگان ابطال رای مردم، توانستند در بالا موقعیت خود را محکم تر کنند و ترکیب مجلس را به سمت راست تغییر دهند. اما بکارگیری این شیوه های سرکوبگرانه، به قیمت محدود تر شدن هرچه بیشتر پایگاه اجتماعی رژیم از یک سو و تشدید اختلافات درون حکومت، بخصوص تضاد میان لایه ها و نهاد های یابینی و بالایی آن، تمام شده است. بخصوص ضربه ای که فعال مایه شدن شورای نگهبان به اعتبار رهبری جمهوری اسلامی زد و خود رهبری نیز با جانبداری از شورای نگهبان ابعاد این ضربه را گسترش داد. بهای گزافی بود که سران حکومت برای سلب حق انتخاب آزاد از مردم پرداختند. بدین ترتیب انتخابات حاکمیت را بی آبرو تر و زمینه رشد جنبش اعتراضی تودم ای، سطح آگاهی و تشکل آنرا مساعدتر ساخته است. ("کار" شماره ۴)

مترقی ترین قوانین جهان!!

آیت الله موسوی اردبیلی می گویند: "من ادعای کنم قوانین جزایی و حقوقی اسلام از قوانین تمامی مکتبهای رایج در دنیا مترقی تر است. ما حاضر اثبات این موضوع هستیم... ما در جمهوری اسلامی هیچکس را شکنجه نمی کنیم و قانون اساسی ما شکنجه نمودن را ممنوع دانسته است." (کیهان ۶۲/۲/۱۹)

حق با آقای اردبیلی است. دنیا از نظر ایشان دنیا چند هزار سال پیش است. چکمی می تواند منکر این بشود که "قانون قصاص" جمهوری اسلامی که به سادگی دستور قطع دست و پای انسانها را می دهد از قوانین قبایل بدوی که انسانها را در آشکریاب می کردند، و یا بر سر نیزه می زدند... مترقی تر نیست؟



معنای "خودکفائی"

آقای رفسنجانی در نماز جمعه ۲۸ اردیبهشت گفت:

"ما نفت نفرو شیم یعنی هیچ چیز نخیریم، یعنی فشنگ هم تهیه نکنیم، یعنی گندم هم نیاوریم، یعنی مواد کارخانه هایمان را هم نیاوریم."

به این می گویند استقلال اقتصادی!

تظاهرات برای قطع جنگ ایران و عراق در هندوستان

۲۱ حزب و سازمان سیاسی طی اعلامیه‌ای خواستار پایان دادن به جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی در این دو کشور شدند

— به سرکوب و اعدام و خشایانه قتل‌سختی
و سطا به دگراندیشا - سرعانا - دهد *

بقیه از صفحه اول

شرکت کنندگان در این راهپیمایی طی شعارهای خود خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق و برقراری صلح در منطقه، آزادی زندانیان سیاسی در ایران و عراق شدند.

خانم نصرت بانو روحی مسئول سازمان صلح و همبستگی و رئیس سازمان زنان ایالت مادیا پرادش در بیان این راهپیمایی سخنرانی کرد و پس از برشمردن مصیبت‌های جنگ خانمانسوز ایران و عراق و کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی در این دو کشور برپایان دادن این جنگ تأکید کرد و گفت: "این جنگ خطر بزرگی برای صلح در منطقه و خلیج فارس دارد."

۲۱ حزب و سازمان سیاسی مترقی دانشجوی جوانان و زنان با صد و اعلامیه‌ای به هم پیوسته خواستار شدند:

— جمهوری اسلامی ایران باید به کشتار انقلابیون پایان دهد.

— زندانیان سیاسی ایران را سریعاً آزاد کنید. درهای تمامی زندانهای جمهوری اسلامی باید برای حقوق دانان بین‌المللی و بازديد کنندگان حقوق بشر باز شود تا حقایق پنهان شده در پشت درهای بسته سیاه‌چال‌های رژیم آشکار گردد.

هندی و خارجی طی اعلامیه جداگانه‌ای خواستار آزادی زندانیان سیاسی در ایران و عراق و قطع شکنجه و اعدام اعضا و هواداران نیروهای انقلابی در این دو کشور شدند.

این تظاهرات با استقبال مردم شهر بومپال رو برو شد و در مطبوعات ایالتی انعکاس وسیعی یافت. روزنامه "کرونیل" پرتیراژترین روزنامه محلی ایالت مادیا پرادش و روزنامه

کارکره کره از بازید

همکار گفتگو

کمیت شورا

رفیق "م"

میان و افز

بی‌ش

دوا

برا: جنگ

اردو زبان "افتاب جدید" و "روزنامه انگلیسی زبان "حیتا وادا" با چاپ گزارش و عکس‌ایمن راهپیمایی همبستگی عمیق خود را با خلق‌های ایران ابراز نمودند.

— جنگ ایران و عراق ده جان هزاران نفر را بلعیده است، بدون درنگ خاتمه یابد، زیرا مردم ایران صلح می‌خواهند.
همچنین ۱۷ سازمان دانشجویی مترقی

افشای توطئه‌های ضد مردمی و جنگ طلبانه سران ج.ا. همبستگی خود را با مردم زجرکشیده ایران اعلام نمود. وی گفت: "جنگ ایران و عراق یک برادرکشی محض و هستی برانداز است." این نمایشگاه با استقبال عمومی روبه‌رو گردید و صدها نفر از آن بازدید کردند.

نمایشگاه عکس، طرح و کتاب در دانشگاه هیمالیا حال پرادش هندوستان

آقای مسیح رئیس بخش حقوق دانشگاه ضمن استقبال از برپایی چنین نمایشگاهی در جهت

• عده‌ها نفر طی بازدید از این نمایشگاه نفرت خود را از جنگ خانمانسوز ایران ابراز نمودند.

۲ — شمول قانون کار: قانون کار مترقی باید همه افراد و حقوق بگیران واحدهای تولیدی و خدماتی کشور را اعم از بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی دربرگیرد.

۳ — ضمانت اجرای قانون: یک قانون کار هر قدر که دمگراتیک باشد، چنانچه تضمین اجرایی نیابد، ارزشی نخواهد داشت. ضمانت اجرای قانون باید از یک طرف توسط دولت و ارگانهای ذیربط (که در برابر کارگران تکالیف و تعهدات قانونی دارند) و از طرف دیگر توسط تشکلات و کانونهای کارگری عملی گردد.

اینها رتوس و مضامین اصلی در تدوین یک قانون کار و تأمین اجتماعی مترقی است. جزئیات حقوق کار و سیاست سازمان در هر یک از موارد فوق الذکر را در راستاد سازمانی من جمله در فصل دوم جزوه قانون کار مفصلاً ذکر کردیم. ادامه دارد

پاسخ...

بقیه از صفحه ۷

علاوه بر این دو، آنچه که عینی‌تر و عملی‌تر است. قوانین اساسی مترقی کشورها است و اصول مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از قبیل اصول ۲۶، ۲۹، ۴۴، ۴۶، ۱۰۴ و ۱۰۰) می‌تواند و باید در تدوین چنین قانون کاری مورد توجه اکید قرار گیرد.

پ — اصول و ضوابط اختصاصی که شامل دستمزد، مرخصی‌ها، حق امنیت شغلی، حق اعتصاب، حداکثر ساعات کار در هفته، حداقل و حداکثر سن کار، حقوق و یوه زنان و نوجوانان کارگر، پیمانهای دسته جمعی، هیاتهای حل اختلاف، یعنی و بهداشت محیط کار، آموزش — های فنی و حرفه‌ای، طرح ارزشیابی و طبقه‌بندی مشاغل و ... می‌شود.

نمایشگاه عکس، طرح و کتاب طی روزهای ۲۶ و ۲۷ آوریل توسط رفقای ما، قد راسیون سراسری دانشجویان هند و قد راسیون دانشجویان در محل دانشگاه هیمالیا حال پرادش هند و ستان برگزار شد. موضوعات انتخابی توسط برگزار کنندگان این نمایشگاه، صلح جهانی، جنگ ایران و عراق و اوضاع سیاسی ایران بود.

بازدید کنندگان از این نمایشگاه در پایان نظرات خود را چنین در دفتر یاد بود منعکس کردند: "آمریکا مسبب همه این ویرانی‌هاست"، "من بادی در این نمایشگاه شرایط واقعی در کشور را دیدم، امیدوارم این ملت رنج دیده علیه جنگ و برای دستیابی به صلح متحد شوند و مبارزه انقلابی خود را علیه جنگ افروزان تشدید کنند." و ...



رویدادهای جهان

دیدار کیم ایل سونگ از اتحاد شوروی

کیم ایل سونگ دبیرکل کمیته مرکزی حزب کارگر و رئیس جمهور و جمهوری دمکراتیک خلق کره از اتحاد شوروی، لهستان و آلمان دمکراتیک بازدید بعمل آورد.

در دیدار کیم ایل سونگ از مسکو، مسایل همکاری و حفظ صلح، مخصوصاً در آسیا، طنی گفتگوهایی با رفیق کنستانتین چرنکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صد رهبریات رئیسه شوروی عالی اتحاد شوروی مطرح گردید. رفیق چرنکو تلاش امپریالیسم آمریکا برای ایجاد "محور نظامی واشنگتن - توکیو - سئول" میان آمریکا، ژاپن و کره جنوبی را محکوم کرده و افزود چنین اقدامی اوضاع آسیا را دچار بی ثباتی خواهد ساخت.

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کارگر نیز حمایت دولت خود را از موضع و اقدامات اتحاد شوروی برای کاهش تنشجات بین المللی و دفع خطر یک جنگ جهانی جدید اعلام کرد. کیم ایل سونگ

گفت حزب کمونیست، دولت و مردم اتحاد شوروی مصممانه علیه سیاست امپریالیستی تجا و ز و توطئه برای برافروختن آتش جنگ جدید مبارزه کرده و در راه حفظ صلح و امنیت در اروپا و سراسر جهان کامیابی دارند.

سمینار مشترک ضد انقلابیون افغانی و نیکاراگوئه ای

اخیراً در "نگوسی گالپا" پایتخت هند و راس ضد انقلابیون افغانی و نیکاراگوئه ای سمینار مشترکی داشته و "گروه تحقیق درباره باصلاح" مقاومت بین المللی "درست کرده اند. برگزار کنندگان این نشست سازمان سیای آمریکا بود که با پوشش "سازمانی دربار" ترتیب این گرد همایی را داده بود. "سبقت الله مجددی" رئیس باصلاح "جبهه ملی برای آزادی افغانستان" در این "سمینار" شرکت جست.

تظاهرات عظیم کارگری در آلمان فدرال

مبارزه جنبش کارگری آلمان فدرال برای تحقق شعار "۳۵ ساعت کار در هفته" همچنان ادامه دارد. روز دوشنبه ۲۸ ماه مه، به دعوت سندیکای فلزکاران این کشور ۲۵۰ هزار نفر در رین پایتخت آلمان فدرال گرد هم آمدند تا پیش

از هر چیز علیه خراج کارگران توسط کارفرمایان اعتراض کنند. سرمایه داران آلمان فدرال برای مقابله با جنبش اعتصابی، در بکارخانجاتی را که اعتصاب در آنها صورت نگرفته، بروی کارگران بستند تا بدینوسیله برسند یکاها اعمال فشار کنند. تظاهرات مزبور ریزشگرترین تظاهرات کارگری در تاریخ آلمان فدرال بود.

ششمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آفریقا و آسیا

ششمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آفریقا و آسیا روز دوشنبه در الجزایر افتتاح شد. صدهای نمایندگی از احزاب مترقی و جنبشهای آزاد بیخشا از کشورهای آفریقای آسیایی در کنگره الجزایر شرکت کرده اند. دستور کار کنگره بحث و گفتگو درباره نظام نوین اقتصادی، مبارزه علیه مصادرات تسلیحاتی و مبارزه برای صلح و امنیت جهانی است.

افغانستان، ویتنام، کامبوج، سازمان آزاد بیخشا فلسطین و کنگره ملی آفریقا از شرکت کنندگان این کنگره هستند. دوستان خلقهای آفریقا و آسیا از جمله اتحاد شوروی و کوبا از شمار شرکت کنندگان ششمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا می باشند.



جشن "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان جشن همبستگی و صلح

زندانیان سیاسی میهن پرست و ضد امپریالیست راهز چهره ساترگوش بشارت ترقی خواه جهان برسانند شرکت کنندگان در جشن، با اعلام طومارها، و حشیرگی نکاند هنده حکام شکنجه گر ۱۰۰ را محکوم نموده و خواستار قطع فوری شکنجه های غیر انسانی جسمی - روانی، در زندانهای قرون وسطایی



رفیق هریرت میس رهبر حزب کمونیست آلمان در یک جلسه پرسش و پاسخ که در جریان جشن برگزار شد

جشن روزنامه "عصر ما" ارگان مرکزی حزب کمونیست جمهوری فدرال آلمان - از تاریخ ۲۵ تا ۲۷ ماه مه - امسال نیز به تابه جلوه پرشکوهای از همبستگی بین المللی کمونیستهای جهان، با شرکت احزاب و سازمانهای کمونیستی و مترقی جهان برگزار شد. این جشن عرصه ای برای مبارزه در راه صلح و تحقق شعار "۳۵ ساعت کار در هفته" بود.

جشن مزبور با شرکت صد ها هزار نفر از کارگران و نیروهای ترقی خواه آلمان فدرال، در کنار فعالین و هواداران احزاب و سازمانهای میهمان، عرصه ای غرور آفرین، از همبستگی و دوستی خلقهای جهان بود.

مردم با شور و شغفی خاص در این جشن شرکت کردند و در سرودها و آوازهایشان، و در نمایشات و گفتگوهایشان، برای تمامی مردم جهان، صلحی پایدار و ترقی و سعادت آرزو کردند. غرفه مشترک مطبوعاتی دو سازمان کمونیستی و برادران سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در این جشن شرکت فعال و ثمر آفرینی داشت. این جشن فرصت مغتنمی بود تا رفقای مادر آلمان فدرال، جنایات حکام مستبد ۱۰۰ در مورد

ایران، و متوقف شدن جنگ احقانه و در عین حال و حشیانه ایران - عراق شدند.

غرفه مشترک حزب و سازمان تجلی پرشور و غرور انگیز همبستگی نیروهای مترقی جهان بازندانیان توده ای و فدایی و سایر زندانیان ضد امپریالیست بود. رفقای فدایی و توده ای علاوه بر معرفی کتب، نشریات، پوستر و ... با اجرای نمایشات و گفتگوهای روشنگرانه، خیانتها و جنایات حاکمان ۱۰۰ را برای شرکت کنندگان افشا نمودند.

رفیق هریرت میس دبیر اول حزب کمونیست جمهوری فدرال آلمان هنگام بازدید از غرفه مزبور ضمن اعلام همبستگی برادرانه حزب کمونیست آلمان فدرال بازندانیان توده ای و فدایی، اظهار داشت: جنبش کارگری کمونیستی ایران، از پیشینه مبارزاتی طولانی برخوردار است و این جنبش علیرغم و حشیانه ترین سرکوبها، بسا تکیه به سنت درخشان مبارزاتی اش بی شک قادر خواهد بود، راه استقلال، آزادی و عدالت و ترقی اجتماعی را در کشور شما هموار سازد.

اخباری از میهنمان

ستاد انتخاباتی بازاریها برای توکل

در روزهاییکه انتخابات جریان داشت، کاندیداهای حکومتی و منفرد برای خود ستاد انتخاباتی ترتیب داده بودند. بازارهم برای آقای توکل درخانه یکی از "تجار محترم" واقع در خیابان ابوسعید (میدان منیریه) ستادی ترتیب داده بود. جالب اینجاست که هر روز صبح پلاکارد تبلیغاتی ایشان را بالای بردند و شب هنگام مردم آن را پاره می کردند.

شکل دیگری از مخالفت مردم با سیاستهای حاکمیت

برای شمارش آراهای انتخاباتی در حوضه زیبای شهرهم از "خواهران" و هم از "برادران" استفاده می شد. پس از قرائت تعدادی از آرا به علت اینکه در برخی برگه های انتخاباتی فحش های رکیک نسبت به مقامات و مسئولین درج شده بود، مسئول خواندن آرا از "خواهران" درخواست کرده که محل شمارش آرا را ترک کنند.

تفتیش و بازجویی

کارگران کارگاه تولیدی ساراوول

مدتی پیش دادستانی اوین به کارخانه ساراوول مراجعه کرد و از ۳۰ نفر کارگر و کارمند آن بازجویی بعمل می آورد. چند روز پس از این اقدام پاسداران اوین با حکم دادستانی به خانه برخی از آنها مراجعه کرده و مجدداً در مورد عقاید، سابق، رابطه و رفت و آمد آنها با دوستانشان سئوالاتی می کند و حتی از بازدید آلبوم خانوادگی آنها نیز دریغ نکردند.

"انتخاب" نماینده برای کارگران

مدیریت روغن نباتی ناب از برگزاری مجمع عمومی جهت انتخاب نماینده از سوی کارگران برای شرکت در هیات نظارت برای حسابرسی پرداخت پاداش بهره وری کارگران جلوگیری کرد. علت این امر از جانب مدیریت چنین اعلام شده که اگر مجمع عمومی برگزار شود مسایل دیگری مطرح خواهد شد که موجب تشنج در کارخانه می شود. برای اینکه نماینده واقعی کارگران انتخاب نشود، خودلیستی از برادران حزب الله "تهیه و به سر میز کارگران می برند تا از آنها امضا بگیرند. کارگران به این امر اعتراض می کنند فقط ۵۰ نفر از ۵۰۰ نفر کل کارگران کارخانه در انتخابات فرمایشی شرکت کردند. درهمین واحد تولیدی پس از

حسابرسی مشخص شد که امسال نسبت به سال ۵۹ درحدود ۴۱٪ افزایش تولید داشته است. اما بهنگام پرداخت پاداش بهره وری مینا را ۳۰٪ افزایش تولید در نظر گرفته و پاداش را به نسبت آن پرداخت کردند. این امر باعث تشنج و اعتراض کارگران شد. ارتاب و معظه جهت ساکت کردن کارگران ادامه دارد.

دستگیری و اخراج کارگران توانیر رشت

یکی از تیم های توانیر رشت که حقوق و مزایای سه ماهه شان پرداخت نشده بود، دست از کار کشیدند. ژاندارمری دخالت کرده و حدود ۱۰ نفر از کارگران متعرض رادستگیری می کنند. اعتراض ادامه پیدا می کند. شرکت توانیر رشت از توانیر تهران برای پرداخت حقوق و مزایای معوقه ۳ میلیون تومان تقاضا می کند. تهران فقط می تواند ۲۵ هزار تومان پرداخت کند. مدیریت شرکت توانیر رشت مجبور می شود، از کارخانجات مجاور مساعدت بگیرد و طلب آنها را بپردازد. اما پس از عادی شدن اوضاع ۲۰۰ نفر از کارگران توانیر اخراج می شوند.

استقبال شایان! معلمان

از کلاسهای ایدئولوژیک

در ناحیه ۱۹ آموزش و پرورش تهران به کلیه معلمان علوم انسانی اعلام کرده اند که باید در کلاسهای ایدئولوژی شرکت کنند و این امر با عدم استقبال معلمان رو برو شده است. از اول تا پایان سال پیش از ۱۰٪ آنان شرکت نکرده اند البته با شرکت در کلاسهای ایدئولوژی و آوردن نمرات بالا از فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی امتیازاتی برای آنها منظور می شود. ولی معلمان می گویند تا بحال که واجد شرایط بوده ایم حقمان را نداده اید. این امتیاز را هم نخواستیم.

دزدی مدیران و حمایت مقامات

کارخانه لوله سازی ایران واقع در جاده ساوه سابقاً متعلق به بخش خصوصی بوده و فعلاً تحت پوشش صنایع ملی است. این واحد تولیدی درحدود ۶۰۰ کارگر و کارمند دارد. این واحد به علت داشتن کوره ذوب فلز، ضایعات فلزی ندارد.

چندی پیش کارگران متوجهی شدند که مدیرعامل توسط ایادی اش قصد خارج کردن به ظاهر چند تن آهن قراضه بعنوان فروش ضایعات کارخانه دارد. کارگران به کامیون مشکوک شده و از خروج کامیون جلوگیری می کنند. پس از بازرسی ماشین متوجه می شوند

که در زیر آهن های قراضه مقداری آهن آلات سالی جاسازی شده است. کارگران کامیون را توقیف و طی تنظیم نامه ای باحدود ۸۰۰ امضا اعتراض خود را اعلام می دارند. درمراجعه به ارگانهای دولتی ذیربط با مخالفت آنها روبرو می شوند. مقامات و مسئولین از مدیریت جانبداری می کنند. حتی یکی از مقامات قضایی کارگران را تهدید می کند که: "اگر لازم باشد شما ۸۰۰ نفر را اخراج می کنیم و ۸۰۰ نفر افغانی را جای شما استفاده می کنیم. هم بیشتر کار می کنند و هم کمتر حقوق می گیرند." درگیری بین کارگران و کارمندان با مدیریت و مقامات ادامه دارد.

قطع مابه التفاوت قیمت بنزین

پس از شروع جنگ بین ایران و عراق قیمت بنزین از ۱۰ ریال به ۳۰ ریال افزایش یافت. به دنبال آن اعتراضات گسترده ای توسط رانندگان تاکسی و وانت بار صورت گرفت. دولت مجبور شد مابه التفاوت قیمت بنزین را به رانندگان تاکسی و وانت بار پلاک قرمز پرداخت کند. اما از نوروز ۶۳ این مابه التفاوت به رانندگان وانت بار قطع شده است. مسئولین امر گفته اند بیایید پرونده هایتان را بگیرید. یعنی هیچ انتظاری جهت پرداخت مابه التفاوت نداشته باشید.

کتابهای مالی رسیده برای سازمان

رفقای توده های از مون پلیر ۳۰۰ فرانک
فرانسوی ۲۵۰ " "
رفیق صبا ۲۰۰ " "
آناهیتا از پاریس یک انگشتر طلا

هزینه این شماره اکثریت از طریق کمکهای جمع آوری شده در جشن تولد ۲ کوچولوی فدایی در پاریس تامین گردید.

AKSARIYAT

NO. 9

FRIDAY, 1 JUNE

Address آدرس
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY آلمان فدرال

P.O. BOX 101 انگلستان
LONDON N17 6YU
ENGLAND

P.O. BOX 66156 ایالات متحده
LOS ANGELES, CA 90066
USA

C.P. 3125 ایتالیا
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

P.O. BOX NO 3018 هندوستان
NEW DELHI - 110008
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا